



○ نقدی بر مجموعه شعر «بر بام خود آشفته می‌وزم» کار منصور بنی مجیدی - انتشارات ایلیا

«وزش آگاهی»

○ آرش نصرت‌اللهی

زنجیری» به وجود آورده است. ... / ابرهای تیره / همه جا / دامن سوزند / علی‌الخصوص وقت کاسه‌ی چشمان کسی / سرخابی باشد / خدا خودش به داد ما برسد / و گرنه در معرکه‌ی خیر و شر / آن که جوجه تیغی است / هر وقت که خواست / گلوله می‌شود / ...

حرکت موبین معنا در تن متن، رابطه‌ی تنگاتنگ با تصویر متحرک گلوله شدن جوجه تیغی دارد.

۴- آبی چین خورده در دل رود / چه پیچ و تاب می‌خورد؟! / ... (صفحه ۳۷)

دوربین بنی مجیدی بدون خطوط محیطی از یک تصویر، ابتدا روی آبی و سپس روی چین خورده‌گی آن، حرکت می‌کند. رفته رفته تصویر بازر می‌شود و در قسمت «در دل رود» تصویر با هویتی مشخص با نام رود، ظاهر می‌شود. سپس با ثابت نگه داشتن دوربین، حرکت پیچ و تاب آبی چین خورده در دل رود، نشان داده می‌شود.

و شعر ادامه می‌یابد:

دیگر برای حاضر شدن / موی کسی را آتش نمی‌زنند این جا / چه فاصله‌ها از میان رفته ... / ... نشسته‌ای روی نت / قدی به قامت گام‌ها تو، راست می‌شود / سمفونی خاموشی / آویزه‌ی گوش و هوش دیوار! / جا مانده از بادهای منجمد شرق دور / با دست‌هایی بر دور آتش نه برای پیوستن به روزهای گرم / ...

در مواردی عباراتی که وارد شعر بنی مجیدی می‌شوند، در پروسه‌ی متن، به کار گرفته نمی‌شوند. با این حال او با پردازش مطلوب عبارات در موقعیت یاد شده سعی می‌کند نخ نامرئی مفهوم را در دستش نگه دارد که تا حد زیادی موفق بوده است.

بنی مجیدی در نتیجه‌ی تجربه‌ای که از سرودن شعرهای کلاسیک و سپید به دست آورده و با داشتن آگاهی، حالا توانسته است آزادانه در سرزمین مه‌گرفته‌ی شعرآزاد امروز ایران، قدم بزند و حرکتی قابل توجه به وجود آورد.

مگر نه این قطار پاکستانی است / که وقتی به حاشیه رود سند می‌رسد / با مسافران تاخوردی افغانی‌اش / روده بر می‌شود از خنده‌های تلخ! / ... (صفحه ۷۳)

حالت مسافران تاخوردی با روده بر شدن قطار، یک حرکت فرمی - فهمی قابل توجه است.

۳- زبان بنی مجیدی ویژه‌گی‌هایی دارد: تغییری قابل توجهی در ساختار جملات، به وجود نمی‌آورد و به طور مداوم از فعل استفاده می‌کند و البته این استفاده، بسته به محل آن می‌تواند در تنظیم سرعت متن، موثر باشد. استفاده بنی مجیدی از حروف اضافه و عبارات مشابه نیز گاهی بیش از آن چیزی می‌شود که از متن مورد نظر، انتظار می‌رود.

البته نوع نگاه او به جهان پیرامونش توصیفی است که زبان او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عبارات توصیفی را در شعر او، به میزان قابل توجهی می‌توان یافت.

اما حرکت‌هایی در حیطه‌ی زبان، در مجموعه‌ی مورد بحث، از بنی مجیدی به جا مانده است که تا حد زیادی به کمک انتقال مفاهیم متن می‌آید.

ابرها را، به هوا نباید خورد (صفحه ۸۳) یافتن رابطه بین مفاهیم در قالب زمان وقتی خودم را فهمیدم، نمی‌دانم چرا / از دو لفظ اقتصاد و سیاست / نیمه متنفرم / ... (صفحه ۴۶)

حضور کلمه‌ی نیمه، یک حرکت زبانی فرو رفته در عمق معنا است. انگار که تنفر شاعر، یک قطعه است که می‌توان به دو نیم کرد و در یک زمان واحد، نیمی به اقتصاد و نیمی به سیاست، هدیه نمود.

در شعر «به ازای یک جفت چشم» (صفحه ۵۱) شاعر با بهره‌گیری از هم ذات‌پنداری مخاطب نسبت به تشنه‌گی، با حذف تنظیم شده‌ی فعل‌ها و ایجاد شتاب در کلام یک تشنه، متنی موفق را، ایجاد کرده است.

در صفحه ۷۰ حضور غیر مترقبه‌ی کاسه‌ی چشم و به کارگیری بهینه‌ی استعاره‌ی جوجه تیغی، چهره‌ی مناسبی برای شعر «عقده‌های

نوشتن شعر، علاوه بر دانسته‌گی تکنیکی، نیاز به نوعی آگاهی از دانش‌های مختلف جهت آفرینش مفاهیم دارد. با مطالعه‌ی شعرهای مجموعه‌ی «بر بام خود آشفته می‌وزم» به نظر رسید که بنی مجیدی هنگام نوشتن، با نوعی هجوم نیروهای برآمده از آگاهی، رو به رو است. این نیروها، نویسنده را به افزایش عناصر کلام دچار می‌کند و البته سعی بنی مجیدی در هرس نمودن گیاه شعرش، موقعیت متن او را تا حد زیادی در وضعیت لازم و کافی، قرار می‌دهد.

بین میان من و پسر من تنها / یک جلال الدین فاصله بود / نه یک رود خروشان ... (صفحه ۱۰)

و یا در شعر دیاکو، وقتی از گذشته‌اش می‌نویسد:

ای کاش اجدادم / از «سیبری» تا «سیبلی» نمی‌لرزیدند! / من خود، قبل از مهاجرت، یخ بسته‌ام / ... (صفحه ۸۲)

علاوه بر نشانگرهای آگاهی، کاربرد زبانی «نمی‌لرزیدند» در انتقال معنای کوچ اجداد و برقراری ارتباط معنایی با عبارت «یخ بسته‌ام» قابل توجه است.

در مجموعه‌ی مورد بحث، مولف شاخص‌هایی را از خود به جا گذاشته که با ذکر نمونه‌هایی به بررسی چگونگی آن‌ها می‌پردازم.

۱- استفاده‌ی منطقی و زیرکانه از تقابل کلمات:

با آب‌های گل آلود / در این حوالی / از جریان‌های افقی ماهیان عمودی می‌گیرند / ... (صفحه ۶۴)

یک مرد ناتمام / از یک زن نیمه گرسنه ی حریص / ... (صفحه ۴۳)

... / قرن‌ها به انتظار می‌نشینی و / به سان مرگی که به انتظار گوری ایستاده است / ... (صفحه ۶۲)

۲- نمونه‌ای از طنز که در لفافه‌ای تاریخی پیچیده شده و خنده، گریه و آگاهی یاد شده را به مخاطب دیکته می‌کند:

